



پیرامون رویداد لخت شدن یک زن در دانشگاه تهران

در شرایط سلطه فزاینده فقر و بیکاری و سرکوب در جامعه تحت سلطه ما و در شرایطی که هر روز موج جدیدی از مبارزات مستقیم توده‌های به جان آمده با شعارهای معیشتی و ضد دولتی در سراسر کشور مانند آواری بر سر رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی خراب شده است، انتشار ویدیوهای مربوط به زنی که تنها با لباس‌های زیر خود در سکوی دانشگاه علوم و تحقیقات تهران نشسته و بعد در آن محوطه قدم می‌زند تا این که مأموران رژیم با خشونت وی را سوار ماشین خود کرده و با خود می‌برند، به مرکز ثقل بحث‌های روز و موضع‌گیری‌های متفاوت و به موضوعی برای دستگاه‌های تبلیغاتی غرب تبدیل شده است.

تا آنجا که به دستگاه تبلیغاتی رژیم ضد خلقی و فریبکار جمهوری اسلامی باز می‌گردد آنها در توجیه اقدامات سرکوبگرانه و زن‌ستیزانه خویش کوشیده‌اند تا فرد نامبرده را دچار "اختلال روانی" و به یک معنا "دیوانه" جا بزنند و در رد این ادعا که وی پس از درگیری با یک بسیجی که به حجاب او گیر داده بود، لباس‌های پاره شده خود در آن درگیری را از تنش کنده است (این موضوع مستند نشده و ویدیویی هم در این زمینه پخش نشده است)، مدعی شده‌اند که او یک بیمار روانی بود و در نتیجه وی را به یک بیمارستان روانی انتقال داده‌اند. با توجه به شناخت و تجارب مردم ما از این رژیم فریبکار و زن‌ستیز، می‌توان با اطمینان تاکید کرد که ادعاهای حکومت در توضیح این رویداد کوچکترین محلی از اعراب نداشته و حقیقت این مساله را روشن نمی‌سازد.

از طرف دیگر در خصوص رویداد مورد بحث ابهامات متعددی وجود دارد. از جمله فقدان آشکار اطلاعات مستند در مورد مشخصات زن نامبرده را می‌توان ذکر کرد که حتی در لحن و محتوای گزارشات مدیای بین‌المللی نیز قابل مشاهده است. با توجه به دستگیری او، سخنگوی دولت اصولاً می‌بایست نام و مشخصات او را اعلام می‌کرد. اما وی تنها از متأهل بودن او گفت و از بردن نام شوهرش نیز امتناع نمود. در ضمن تا کنون حتی یکی از همکلاسی‌هایش مطلبی در مورد وی نگفته است. در همان حال به گزارش بی‌بی‌سی قبل از این که این زن در سکوی دانشگاه با لباس زیر دیده شود به چند کلاس درس رجوع کرده و هنگامی که یک دانشجو دلیل این مراجعه غیر مترقبه را از وی سؤال کرده با جیغ و داد او مواجه شده است. بدون آن که لازم باشد از همه موارد مبهم در این مورد مثلاً چرایی واکنش غیر فعال افراد حاضر در صحنه به او، به گونه‌ای که در ویدیوهای منتشر شده آشکار است، لیستی ارائه شود اما ابهامات موجود باعث شده است که برداشت‌هایی در میان گروهی از افراد و نیروها به وجود آمده و از احتمال غیر خودجوش بودن این حرکت فردی و سازماندهی شدن آن برای بهره‌برداری‌های ضد انقلابی دشمن علیه زنان و جنبش انقلابی توده‌های تحت ستم ایران، صحبت به میان آید.

واقعیت این است که با در نظر گرفتن حد و صحت و سقم اطلاعات موجود، قضاوت درباره‌ی "خودجوش" بودن حرکت یک "زن عاصی" از قوانین زن‌ستیزانه دیکتاتوری حاکم در دانشگاه و یا "پروژه" بودن آن، فاقد یک پاسخ واقعی و مسئولانه در این لحظه می‌باشد. بی‌شک آینده به طور قطع واقعیت چگونگی این رویداد را در مقابل همگان به نمایش خواهد گذارد. اما آنچه که از نقطه‌نظر منافع جنبش انقلابی مردم ایران علیه دشمنان‌شان دارای اهمیت می‌باشد، موج تبلیغات به غایت فریبکارانه و ارتجاعی‌ای است که در ورای کارزار مربوط به این رویداد از سوی جبهه متحدی از امپریالیست‌ها، مرتجعین و سازشکاران رنگارنگ وطنی برای پمپاژ به افکار عمومی در جریان است. نقطه مشترک در میان این نیروها ستایش از لخت شدن زن نامبرده و نام بردن از این حرکت به عنوان "سمبل" مقاومت علیه رژیم جمهوری اسلامی است.

در تبلیغات ریاکارانه، این طور جلوه داده می‌شود که گویا لخت شدن در ملاء عام منعکس‌کننده جوهر انقلاب مردم ماست. در این میان افراد و نیروهای اصلاح‌طلب و به اصطلاح مخالف حکومت و اکثراً پرو امپریالیست ضمن تقدیس عریان‌گرایی، از آن به عنوان شیوه رادیکال مبارزاتی یاد کرده و به طور مثال ادعا می‌کنند که با این شیوه،

زنان "بدن‌های‌شان را نماد اعتراض و طغیان علیه زن‌ستیزی و استبداد کرده‌اند" (نرگس محمدی) و یا این که گویا بدن زن سلاح پر قدرتی علیه زن‌ستیزی جمهوری اسلامی می‌باشد. آنها از انقلاب ایران به مثابه انقلاب زنانه نام می‌برند و لخت شدن را شکلی از مبارزه مدنی که باید تکثیر شود جلوه می‌دهند تا به اصطلاح "انقلاب زن زندگی آزادی"، نامی که آنها به تبع از بنگاه‌های تبلیغات امپریالیستی به جنبش انقلابی مردم تحت ستم و گرسنه و تحت فشار دیکتاتوری جمهوری اسلامی داده‌اند، فراز جدیدی بیابد. به این ترتیب سیلی از این گونه ایده‌های انحرافی و فاقد پایه عینی در جامعه تحت سلطه ما در تقدیس برهنگی به عنوان یک شیوه مبارزاتی "فراز نوین" و "نماد پیکار" به راه افتاده است. در تبلیغات اینان جنبش مردم ما در سال ۱۴۰۱ با هزاران کشته و مجروح و معلول گویا حداکثر برای رفع "حجاب" و تحقق "آزادی پوشش" و یا نداشتن پوشش برپا شد. در حالی که در واقعیت امر در آن سال توده گرسنه و تحت فشارهای اجتماعی و سیاسی با هدف تغییر مناسبات به غایت استثمارگرانه و ارتجاعی موجود برای نان و کار و مسکن و آزادی آن جنبش عظیم را که هنوز هم لرزه بر اندام دشمنان و سرسپردگان به جمهوری اسلامی می‌اندازد، برپا کردند.

حقیقت را بخواهیم تبلیغات انحرافی آگاهانه‌ی رسانه‌های غربی در مورد رویداد دانشگاه علوم و تحقیقات تهران، همچنین جان تازه‌ای به اپوزیسیون اصلاح‌طلب و ضد مردمی و در امتداد آنها به برخی نیروهای سازشکار و فرصت‌طلب داده تا با نشخوار کردن همین ایده‌ها به وظیفه دائمی خود در تندپیچ‌های اجتماعی یعنی خاک پاشیدن به چشم کارگران و زحمتکشان و دختران و پسران جوان مبارز و رادیکال دست بزنند. اکنون غیر قابل انکار است که حرکت لخت شدن در دانشگاه به هر دلیلی که بوده باشد به دستاویز بزرگی برای افکارسازی توسط دستگاه‌های تبلیغاتی غرب تبدیل شده است. این دستگاه‌ها همان‌هایی هستند که در اوج جنبش‌های توده‌ای چند سال اخیر در هر بحرانی با خست تمام مشغول سانسور اعمال انقلابی و شعارهای رادیکال دختران و زنان و مردان مبارز ما بودند. اکنون نیز کوشش دارند که خواست‌ها و مطالبات اکثریت عظیم زنان و مردان زحمتکش در جنبش انقلابی را نه تحقق "نان، کار، مسکن و آزادی" بلکه حداکثر رفع محدودیت‌های غیر انسانی و ضد خلقی نظیر حجاب اجباری جا بزنند.

تبلیغات انحرافی حول موضوع اخیر در شرایطی که راه افتاده است که روزی نیست که فریاد ستم‌دیدگان جامعه از کارگران تحت شدیدترین ظلم و ستم‌ها گرفته تا پرستاران زحمتکش و تحت شدیدترین فشارهای کاری تا بازنشستگان تا دانشجویان معترض به امنیتی کردن فضای دانشگاه، تفکیک جنسیتی، سیاست‌زدایی از دانشگاه و معترض به کیفیت نازل غذا و غیره شنیده نشود. این اعتراضات علیه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی، امروز سراسر کشور را فرا گرفته است. فریادهای کارگران و زحمتکشان در شعارهایی نظیر "زیر بار تورم، شکسته پشت مردم، روسری را رها کن، تورم را مهار کن، حقوق عادلانه حق مسلم ماست، تورم اسفبار، حاکم شده تو بازار، سفره بی نان ما، چه می‌خواهید از جان ما، وعده وعید کافیه، سفره ما خالیه و..." فضای جامعه را پر کرده است. اما نه این مبارزات و نه حتی به قتل رسیدن وحشیانه کارگران معدن طیس هرگز در آنتن این رسانه‌ها قرار نمی‌گیرد. در واقع در شرایطی که صدای خرد شدن استخوان‌های میلیون‌ها تن از زنان و مردان کارگر و زحمتکش در زیر چرخ استثمار و سرکوب نظام سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی به گوش می‌رسد، آنها لخت شدن را وسیله‌ای جهت مبارزه با جمهوری اسلامی به نفع زنان جا می‌زنند که درست به منظور انحراف توجه‌ها از شرایط دهشتناکی صورت می‌گیرد که جمهوری اسلامی برای اکثریت مردم جامعه ایران به وجود آورده است. فراتر و رسوا تر آن‌که برخی نیروهای اپورتونیست و فرصت‌طلب و سازشکار در این مورد نیز خود را به ارباب تبلیغات امپریالیست‌ها و مرتجعین در تقدیس عریان‌گرایی به مثابه شیوه مبارزاتی وصل کرده و در حال برگزاری کمپین‌های لخت شدن در برخی شهرهای اروپایی هستند.

تبلیغ برای برهنه شدن، به خصوص مورد توجه اکثراً زنان طبقه بالا و ثروتمند قرار دارد که هیچ درکی از درد و رنج و مرگ تدریجی زنان و مردان کارگر و زحمتکشی که در این نظام استثمارگرانه، گرسنه و بی‌سرپناه و بیکار در زیر خط فقر جان می‌دهند، ندارند. بدون شک هر انسان مسئولی می‌تواند متصور شود که اگر زنانی در ایران به لاطائلات روشنفکران مدافع این شیوه احیانا گوش داده و با حضور جمعی در خیابان‌های ایران بدن لخت خود را ابزاری جهت به اصطلاح مبارزه با جمهوری اسلامی قرار دهند، رژیم حاکم چگونه این امر را به دستاویزی برای

ایزوله کردن مبارزات توده‌های ستم‌دیده قرار خواهد داد. واقعیت این است که در چارچوب دیکتاتوری عریان حاکم بر کشور ما، زنان رزمنده و مبارز ایران از طریق لخت شدن در خیابان‌ها نمی‌توانند بساط حتی حجاب اجباری را در چارچوب این رژیم برکنند.

حرکت زن دانشگاه علوم و تحقیقات تهران، به هر صورتی که اتفاق افتاده باشد، چه خودجوش و از سر استیصال و به مثابه یک عصیان در جامعه زن‌ستیز ایران که اولین نمونه نیز نمی‌باشد، و چه به عنوان یک حرکت سازمان‌یافته توسط دشمنان مردم ما، نه نماد و فراز نوینی را در مبارزه حق‌خواهانه مردم ما علیه امپریالیست‌های غارتگر و رژیم جمهوری اسلامی به نمایش می‌گذارد و نه نشانه "زنانه" بودن انقلاب اجتماعی پیشرو کارگران و زحمتکشان ماست. این حرکت به هیچ وجه یک راه نوین نجات‌بخش از بن بست مبارزاتی کنونی را عرضه نمی‌کند. تبلیغات انحرافی مربوط به این رویداد نیز تنها تلاشی از روی استیصال از سوی دشمنان مردم ما برای به حاشیه راندن شیوه‌های مبارزاتی رادیکال و واقعا مؤثر مردمی است که توده‌های جان به لب رسیده ایران تا کنون در اعمال فداکارانه و شجاعانه خود نشان داده و کارایی آن شیوه‌ها را در مقابله با دشمن به ثبوت رسانده‌اند.

مسلم است که یک نیروی مردمی و انقلابی از هر گونه اعتراض اصیل توده‌ها به دیکتاتوری عریان و نظام حاکم هر چقدر کوچک دفاع می‌کند. اما ضمن درک خشم زنان تحت ستم ایران که گاه با نمایش بدن لخت خود دست به یک عصیان کور می‌زنند، استفاده ابزاری از بدن زن برای ظاهرا مبارزه با آزادی پوشش به گونه‌ای که تبلیغات انحرافی رسانه‌های غرب و نیروهای سازشکار با کوتاه‌بینی و توهم به آن دامن می‌زنند، محکوم است. از این رو نیروهای مردمی و انقلابی در مقابل جایگزین کردن جنبش برهنگی به جای مبارزه رهایی‌بخش و انقلابی زنان ما با رژیم جمهوری اسلامی با تمام قوا می‌ایستند.

کارگران و زحمتکشان، زنان و جوانان، خلق‌های محروم و سایر توده‌های تحت ستم ما در جریان ۴۵ سال مبارزات خونین و بی‌امان خود با جمهوری اسلامی دریافته‌اند که رهایی از چنگان این رژیم و سلطه امپریالیست‌های غارتگر حامی آن از کانال یک مبارزه مسالمت‌آمیز و مدنی و در این بحث با عریان‌گری امکان‌پذیر نیست. دیکتاتوری حاکم با تشکل و سازمان‌یابی توده‌ها و مسلح کردن آنان برای نابود کردن ستون فقرات این رژیم یعنی ماشین سرکوب آن در جریان یک جنگ توده‌ای طولانی از بین خواهد رفت.

مرگ بر رژیم دیکتاتور و زن‌ستیز جمهوری اسلامی!
درود بر زنان و مردانی که دوشادوش هم علیه هرگونه ظلم و ستم مبارزه می‌کنند.
زنده باد انقلاب ستم‌دیدگان ایران برای رسیدن به نان، کار، مسکن و آزادی!

چریک‌های فدائی خلق ایران
۱۶ آبان ۱۴۰۳ برابر با ۶ نوامبر ۲۰۲۴